



فصلنامه علوم محیطی، دوره نوزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰

۱۲۷-۱۵۰

تبیین رهیافت برنامه‌ریزی پیش‌بینی ارتقای منظر فرهنگی در تعامل با بوم‌شناسی انسانی در گذر زمان

علی حسین پور^۱، داریوش مرادی چادگانی^{۲*}، شیرین طغیانی خوراسگانی^۱ و الهام ناظمی^۱

^۱ مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

^۲ گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

^۳ گروه معماری و شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۵

حسین پور، ع. د. مرادی چادگانی، ش. طغیانی خوراسگانی و ا. ناظمی. ۱۴۰۰. تبیین رهیافت برنامه‌ریزی پیش‌بینی ارتقای منظر فرهنگی در تعامل با بوم‌شناسی انسانی در گذر زمان. فصلنامه علوم محیطی. ۱۹(۲): ۱۲۷-۱۵۰.

سابقه و هدف: منظر فرهنگی^۱ از دهه ۱۹۹۰ میلادی، توسط سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، به‌عنوان یک زمینه موضوعی میان‌رشته و فرارشته معرفی، و به‌صورت رسمی در دستورکار توسعه جوامع عضو سازمان قرار گرفت. در حالیکه از دهه ۱۹۲۰ میلادی، صاحب‌نظران زیادی در این زمینه مطالعه و فعالیت نموده و متون مرتبط با آن را منتشر کرده‌اند. بوم‌شناسی انسانی^۲ به مطالعه ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و با محیط زندگی خویش مربوط می‌شود و پیوند تنگاتنگی با منظر فرهنگی دارد و کارکرد دوگانه‌ای در تحقق‌پذیری همزمان ارتقای ارزش‌های منظر فرهنگی و بهبود بوم‌شناسی انسانی ایجاد می‌کند. سابقه این مفهوم به سال ۱۹۰۷ میلادی باز می‌گردد و از آن زمان تاکنون، نظریه‌پردازان مرتبط با این موضوع با مطرح نمودن موضوع‌های متنوع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در تلاش برای بهبود رابطه انسان و محیط زیست بودند. هدف این مقاله، دستیابی به چگونگی دگرگونی مفهوم منظر فرهنگی در گذر زمان و تداوم آن در تعامل با بوم‌شناسی انسانی است، به‌گونه‌ای که قابل پیاده‌سازی در یک فرآیند برنامه‌ریزی ارتقای منظر فرهنگی باشد.

مواد و روش‌ها: نوع پژوهش در این مقاله یک پژوهش توصیفی - تحلیلی است و روش‌شناسی آن بر پایه روش پژوهش ساختاری - تاریخی استوار شده است. محدوده زمانی این پژوهش از سال ۱۹۰۸ میلادی که نخستین استفاده از عبارت «منظر فرهنگی» در خارج از قلمرو هنر و نقاشی صورت گرفت تا سال ۲۰۲۰ (سال انجام این پژوهش) است. به این منظور با انجام بازبینی متون مرتبط با چارچوب‌های نظری، فنی و تجربی منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی، و به‌کارگیری روش تحلیل متون مدون، برپایه روش‌های پژوهش تحلیل ساختاری تاریخی و تحلیل قیاسی، زمینه‌های مشترک منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی در یک توالی زمانی مبتنی بر روابط علت و معلولی، سازمان‌دهی شده است. در این شیوه پژوهش، شواهد، مدارک و اسناد تاریخی به‌عنوان مواد پژوهش، پژوهشگر را در پاسخ به سؤال «چه بوده است؟» یاری می‌کنند. تفسیر شواهد با نگاهی «مشروط و احتمالی» نسبت به علیت (در مقابل جبر) و بهره‌گرفتن از تبیین‌های ترکیبی از دیگر ویژگی‌های این روش پژوهش است که به آن ماهیت تطبیقی - تاریخی می‌دهد. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پژوهش، شواهد تاریخی و از نوع کیفی هستند و از مسیرهای چهارگانه (۱) متون و منابع اولیه (۲) متون و منابع ثانویه (۳) متون مربوط به سوابق جاری (۴) متون بازگردآوری شده به‌دست آمده‌اند.

* Corresponding Author: *Email Address*. d.moradi@aui.ac.ir
<http://dx.doi.org/10.52547/envs.33587>

نتایج و بحث: دستیابی به آگاهی افراد و جوامع برای شناسایی و توصیف مناظر فرهنگی سرزمین خویش و تلاش برای ثبت جهانی آن به منظور حفاظت و ارتقای ارزش‌های منظر فرهنگی از راه «مدیریت منابع فرهنگی» که جایگزین «حفاظت از میراث فرهنگی» می‌شود، قابل تحقق است. در مقابل اندیشمندان در قلمرو دانش بوم‌شناسی انسانی در پی کشف راه‌حل برای بهبود رابطه میان انسان و زیست‌بوم انسانی هستند و همزمان پژوهشگران و فعالان حرفه‌ای در قلمرو دانش منظر فرهنگی بر شناسایی و توصیف مناظر فرهنگی متمرکز می‌شوند. از سوی دیگر، با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی فرآیندمحور، توجه به نقش بازیگران و همچنین ضرورت تأکید بر اصل عدم قطعیت، ماهیت میان رشته‌ای بودن انگاشت‌های منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی، دگرگونی‌ها و پیچیدگی‌های محیط‌های طبیعی و انسان‌ساخت، رهیافت برنامه‌ریزی راهبردی و بویژه برنامه‌ریزی پیش‌بینی می‌تواند پیوند محتوایی و فرآیندی بین این قلمروهای دانش دوگانه را برقرار نماید.

نتیجه‌گیری: نتیجه این پژوهش، پیشنهاد الگوی برنامه‌ریزی پیش‌بینی با توجه به اجزای انگاشت منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی است که توجه ویژه‌ای به مطالعه تاریخی و توصیف و تحلیل دوره‌ای شواهد دارد. این الگو به صورت یک فرآیند دوگانه با دو مرحله کلان (۱) مستندسازی و تدوین برنامه (۲) اشتراک‌گذاری و شش مرحله خرد (شناخت ارزش‌های منظر فرهنگی، تشخیص روابط علت و معلولی، تحلیل اثر، توسعه راهبردهای واکنشی، توسعه برنامه‌های پیش‌بینی مبتنی بر شواهد و اشتراک‌گذاری برنامه‌های پیش‌بینی مرتبط با ارزش‌های منظر فرهنگی میان بازیگران کلیدی)، پیشنهاد گردید. در مرحله نخست از این فرآیند، با استفاده از مشاهدات و مطالعات میدانی، ارزش‌های منظر فرهنگی شناسایی و توصیف می‌شوند، سپس با استفاده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های هدفمند پیرامون روابط علت و معلولی هر یک از ارزش‌های یاد شده، همزمان تحلیل اثر نیز صورت گرفته و اقدام به توسعه راهبردهای واکنشی می‌شود. در مرحله دوم نیز با پیشنهاد برنامه‌های پیش‌بینی مبتنی بر شواهد و اشتراک‌گذاری برنامه‌های پیش‌بینی مرتبط با ارزش‌های منظر فرهنگی میان بازیگران کلیدی، افزون بر معکوس نمودن روند افت ارزش‌های منظر فرهنگی، ارتقای آن‌ها نیز در دستور کار قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: بوم‌شناسی انسانی، منظر فرهنگی، برنامه‌ریزی پیش‌بینی، مدیریت منابع فرهنگی، دگرگونی، تحلیل ساختاری تاریخی، تحلیل تطبیقی

مقدمه

تلاش برای ثبت جهانی آن به منظور حفاظت و ارتقای ارزش‌های منظر فرهنگی است. دلیل این نگرانی، آسیب‌پذیر بودن این مناظر فرهنگی در اثر ناشناخته بودن و در نتیجه ناتوانی در رصد دگرگونی‌های مخرب آن است. دستیابی به این خواسته از راه «مدیریت منابع فرهنگی» که جایگزین «حفاظت از میراث فرهنگی» می‌شود، قابل تحقق است. اینگونه مداخلات ابعاد فرهنگی و اجتماعی را بیش از پیش مدنظر قرار داده و در برخی موارد که به اقتضای شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نواحی دارای ارزش‌های میراث جهانی دچار دگرگونی‌های گسترده شده است، به صورت ویژه به حفظ ارزش‌های ناملموس و ارتقای آن‌ها می‌انجامد. اینگونه منابع فرهنگی ناملموس را می‌توان در قالب منظر فرهنگی مطالعه و مقدمات توسعه ارزش‌های فرهنگی را فراهم نمود.

(Buggey and Mitchell (2002) در پژوهش "چالش‌های مدیریت منظر فرهنگی و الزام جهت‌گیری‌های نوین در

حفاظت از یک محوطه واجد ارزش‌های تاریخی و فرهنگی در شهرها (چون میراث فرهنگی محیط طبیعی نظیر چشم‌اندازهای طبیعی در شهر و میراث فرهنگی محیط انسان‌ساخت نظیر میدان‌ها و بناهای تاریخی) و ارتقای ارزش‌های میراث محلی و جهانی آن‌ها مهمترین اهداف یک فرآیند برنامه‌ریزی و مدیریت منابع فرهنگی در جوامع بیشتر توسعه‌یافته هستند که در پی جنبش‌های محیط زیستی دهه ۱۹۶۰ میلادی، در دستور کار سازمان‌های ملی و بین‌المللی و کشورهای بیشتر توسعه‌یافته قرار گرفته است و کشورهای کمتر توسعه‌یافته چون مالزی (Abdullah, 2011)، مصر (Willems and Dahms, 2017) و ترکیه (Işık et al., 2018) نیز آن را به عنوان یک هدف کلان در دستور کار توسعه میراث فرهنگی خود گنجانده‌اند. نگرانی نظریه‌پردازان این انگاشت در تجارب بین‌الملل، آگاهی افراد و جوامع برای شناسایی و توصیف مناظر فرهنگی سرزمین خویش و

دسته‌بندی جامعی از ارزش‌ها در منظر فرهنگی و تبیین و تدقیق آن‌ها در منظر فرهنگی شهر اورامان تخت با بهره‌گیری از مشاهده میدانی و مصاحبه با گروه‌های ذینفع و ساکنان بومی به‌عنوان ابزارهای پژوهش است. دستاورد پژوهش، دسته‌بندی و معرفی جامعی از ارزش‌های ملموس و ناملموس در منظر فرهنگی اورامان تخت است به‌گونه‌ای که تمامی وجوه حفاظت اورامان را تبیین می‌کند.

با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده در ایران می‌توان آن‌ها را در دو دسته قرار داد. نخست پژوهش‌گرانی که در پی بازتعریف عبارت منظر فرهنگی، و دوم پژوهش‌گرانی که در پی ثبت آثار تاریخی یک محدوده جغرافیایی هستند و دغدغه آن‌ها انطباق اصول منظر فرهنگی یونسکو و دیگر نهادهای رسمی با ویژگی‌های میراث فرهنگی مدنظر آن‌ها است. یکی از تفاوت‌های عمده این پژوهش با پژوهش‌های یاد شده، تلاش برای تدوین ساز و کار و سیستمی کارآمد به‌منظور حفاظت آثار تاریخی و میراث فرهنگی کشور در حوزه برنامه‌ریزی شهری است. همچنین در این پژوهش، با تمرکز بر جنبه‌های مدیریتی و اجتماعی، سعی در طراحی الگویی جهت ارتقای ارزش‌های منظر فرهنگی با رهیافت بوم‌شناسی انسانی شده است.

منظر فرهنگی از دهه ۱۹۹۰ میلادی، توسط سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، به‌عنوان یک زمینه موضوعی میان‌رشته و فرارشته معرفی و به‌صورت رسمی در دستورکار توسعه جوامع عضو سازمان قرار گرفت. از سوی دیگر بوم‌شناسی انسانی به ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و با محیط زندگی، به‌منظور آگاه نمودن افراد و جوامع از تأثیر ویرانگر برخی اقدام‌های انسانی بر زیست‌بوم و مناظر فرهنگی تأکید می‌کند که ارتباط تنگاتنگی با مفهوم منظر فرهنگی می‌یابد. اندیشمندان در قلمرو دانش بوم‌شناسی انسانی و منظر فرهنگی به ترتیب در پی کشف راه‌حل برای بهبود رابطه میان انسان و زیست‌بوم انسانی، و شناسایی و توصیف مناظر فرهنگی هستند.

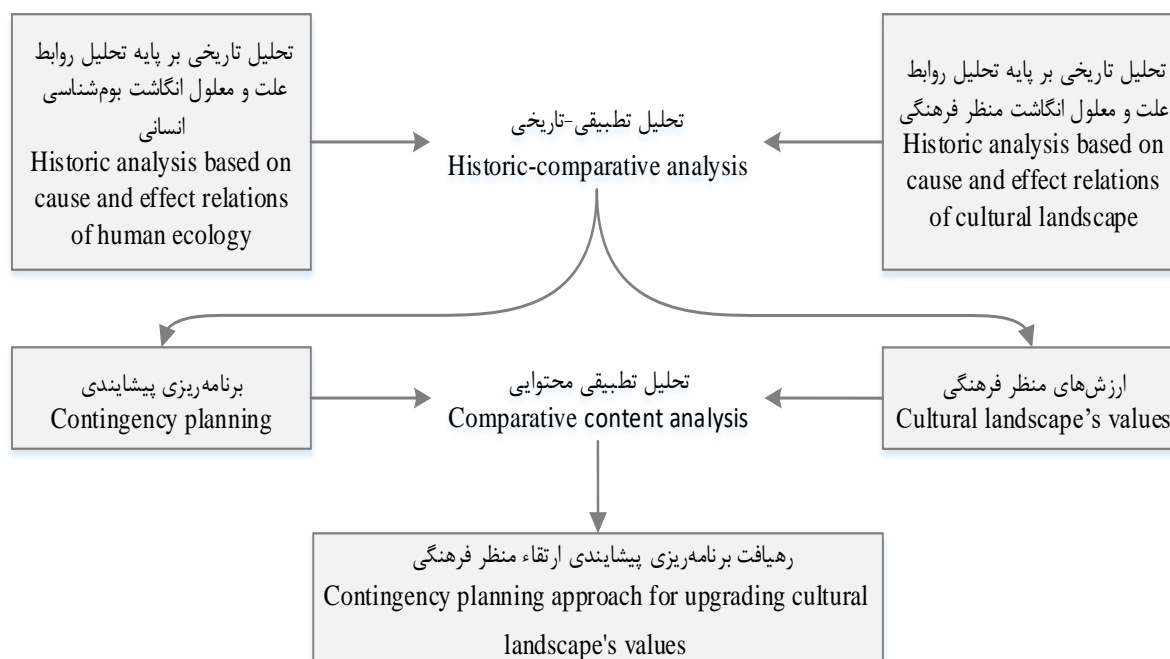
ایالات متحده آمریکا و کانادا" و (Lozny 2008) در پژوهش "منظر فرهنگی تحت فشار، نظریه و عمل حفاظت و پژوهش میراث فرهنگی" در صدد تحقق همین ایده بوده‌اند. پژوهشی که در این خط سیر کمک شایانی به پیشبرد آن داشته است عبارت است از پژوهش‌های (Bandarin and Van Oers 2003) با عنوان "برقراری ارتباط دوباره در شهر، رهیافت منظر شهری تاریخی و میراث شهری آینده" در سال ۲۰۱۴. در ایران نیز پژوهش‌هایی به‌منظور ارتقای ارزش‌های منظر فرهنگی انجام شده است که مرتبط‌ترین آن‌ها از نظر موضوع و هدف نویسنده، مربوط به مقاله Bemanian et al. (2011) با عنوان «باززنده سازی «منظر فرهنگی» تخت سلیمان با تأکید بر رویکردهای بازآفرینی و حفاظت از میراث جهانی ICOMOS» است. هدف این پژوهش، بررسی و استخراج اصول و روند باززنده‌سازی مناظر فرهنگی بر پایه‌ی رویکردها و قوانین موجود در سازمان میراث جهانی (یونسکو) و نمونه‌های موردی احیاء شده در جهان است.

نویسندگان در این مقاله پس از بیان انواع مناظر فرهنگی، معیارهای کنوانسیون را برشمرده و دستورالعمل‌های مربوط به منشور فلورانس و اصول حفاظت مناظر تاریخی توسط چایلدهود را بیان می‌کنند. در ادامه پس از بررسی چند پژوهش نظری و عملی، روش سیستماتیک مدیریتی را برای باززنده‌سازی یک اثر تاریخی بیان می‌کند. مرمت خلاق، جایگزینی مناسب برای مرمت حفاظتی خواهد بود که با دخل و تصرف مجدد، آن را به پویایی وادار می‌نماید. پژوهش یاد شده با دستورالعمل‌های پیشنهادی خود در ابعاد مختلف برای تخت سلیمان چارچوبی تعیین می‌نماید. (Fadaee nezhad et al. 2017) در مقاله «بازشناسی مفهوم ارزش در حفاظت منظر فرهنگی اورامان تخت» پس از بازخوانی اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی و دیدگاه‌های صاحب‌نظران، با بهره‌گیری از روش تحقیق کیفی و راهبرد تحلیل محتوا، در پی دست یافتن به

منظر فرهنگی از دهه ۱۹۱۰ میلادی وارد ادبیات علمی جهان گردید (Shakuie, 2016) و در طی سالیان متمادی دچار دگرگونی‌های فراوانی شد، ولی ویژگی‌های چند رشته‌ای آن همچنان به قوت خود باقی مانده است (Bennett, 2017). رهیافت بوم‌شناسی انسانی نیز در پی دریافت چگونگی درک منظر فرهنگی توسط افراد و جوامع و نگاه نوین آن‌ها به منظر فرهنگی است (Lozny, 2008). با توجه به ویژگی‌های رهیافت بوم‌شناسی انسانی که از ویژگی‌هایی نظیر نگاه راهبردی، مشکل سو (مسئله‌گرایانه) و عدم قطعیت برخوردار است، تصمیم‌گیری برای هدایت و کنترل مداخله در منظر فرهنگی را به سمت برنامه‌ریزی پیش‌بینی متمایل می‌کند (شکل ۱). برنامه‌ریزی پیش‌بینی با بهره‌گیری از ویژگی‌های رهیافت برنامه‌ریزی راهبردی، بر ویژگی "فرآیندمحوری" و "خطرپذیری (ریسک)" استوار گردیده و با تکیه بر فرآیندهای پیوسته گردآوری، توصیف و تحلیل اطلاعات، چارچوبی سیستماتیک را برای تولید سناریوهای احتمالی مداخله در پدیده مورد برنامه‌ریزی تنظیم می‌نماید (Daneshpour, 2015).

از سوی دیگر، با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی فرآیندمحور، توجه به نقش بازیگران و همچنین ضرورت تأکید بر اصل عدم قطعیت، ماهیت میان رشته‌ای بودن انگاشت‌های منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی، دگرگونی‌ها و پیچیدگی‌های محیط‌های طبیعی و انسان‌ساخت، رهیافت برنامه‌ریزی راهبردی و بویژه برنامه‌ریزی پیش‌بینی می‌تواند پیوند محتوایی و فرآیندی بین این قلمروهای دانش دوگانه را برقرار نماید.

در این مقاله تلاش شده است که با استفاده از بنیان‌های رهیافت بوم‌شناسی انسانی و محتوای منظر فرهنگی در یک فرآیند برنامه‌ریزی پیش‌بینی یک راه‌حل قابل به‌کارگیری برای هدایت و کنترل اقدامات اصلاح‌گرایانه در بافت‌های واجد ارزش تاریخی و فرهنگی (که به‌طور عموم جزو بافت‌های فرسوده شهرها محسوب گردیده‌اند) یافت گردد. به این منظور با بهره‌گیری از پایه‌های نظری "منظر فرهنگی" و رهیافت "بوم‌شناسی انسانی" و به‌کارگیری تحلیل‌های ساختاری تاریخی سازوکار لازم برای ردیابی تحولات این مفاهیم در بستر زمان و نیز شناسایی دلیل آن‌ها فراهم شد. انگاشت



شکل ۱- فرآیند انجام پژوهش تحلیلی - تطبیقی انگاشت منظر فرهنگی و رهیافت بوم‌شناسی انسانی بر پایه زمینه برنامه‌ریزی پیش‌بینی
Fig. 1- The process of adaptive-analytic studies of cultural landscape concept and human ecology approach based on contingency planning context

مواد و روش‌ها

پژوهش در این مقاله با استفاده از رویکرد کیفی انجام شده است که ریشه در الگوواره پژوهش‌های تفسیری و انتقادی دارد (Neuman, 2007) و رهیافتی برای آزمون تفصیلی تجارب افراد و جوامع، از دیدگاه آن‌ها (و نه پژوهشگر) نسبت به پدیده مورد پژوهش است (Hennink *et al.*, 2020). راهبرد پژوهش استقرایی است که با انباشت داده و اطلاعات از راه مشاهده به تولید یک نظم جدید منتهی شده و در آن فرضیه‌ها به‌عنوان مدارکی برای صحت نتیجه‌گیری تلقی می‌شوند (Cohen and Copi, 2016).

نوع پژوهش در این مقاله یک پژوهش توصیفی - تحلیلی است و روش‌شناسی آن بر پایه روش پژوهش ساختاری - تاریخی استوار شده است که در آن با به‌کارگیری روش مطالعه اسنادی (بازبینی متون مدون) و تحلیل متن (استخراج نمونه‌های دگرگون شده متن)، داده‌ها و اطلاعات مناسب برای شواهد تاریخی گردآوری می‌شوند. سپس با استفاده از روش تحلیل روابط علت و معلول سیر دگرگونی‌ها برای هر یک از انگاشت‌های منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی روی نمودار خط زمان (ترتیبی)، به شکلی منظم و سازماندهی شده و زنجیروار به‌سامان می‌شوند. در مرحله نهایی با استفاده از روش تحلیل تطبیقی، الگوی به‌کارگیری رهیافت بوم‌شناسی انسانی در مراحل کلان توصیف، تحلیل و تجویز در یک فرآیند برنامه‌ریزی پیش‌بینی ارتقای ارزش‌های منظر فرهنگی تولید و معرفی شده است.

منابع داده و اطلاعات برای انجام پژوهش در این مقاله متون معتبر علمی (کتاب، مقاله، گزارش‌های معتبر و مستند) هستند که در یک فرآیند دوگانه بازبینی متن و بازنویسی متن از منابع اولیه، داده‌ها و اطلاعات ثانویه به‌صورت کدهای باز و بسته استخراج و در قالب شواهد تاریخی تفسیر و تأیید شدند.

نتایج و بحث

در این بخش ضمن بیان مفهوم دگرگونی و سیر دگرگونی

انگاشت منظر فرهنگی بر پایه تحلیل ساختاری تاریخی، پیوند محتوایی و فرآیندی انگاشت‌های دوگانه منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی بر پایه الگوی برنامه‌ریزی پیش‌بینی، شناسایی و تحلیل گردیده است.

بیان مفهوم دگرگونی

«در فرهنگ‌های لغت دگرگونی به معنی فرآیند تغییر در شکل و ظاهر، شرایط، مقدار، ساختار و یا تجزیه و بازسازماندهی هر نظم از قبل تعیین شده است؛ فرآیندی که منجر به استحاله، تبدیل، تحول، تطور، تغییر، تعویض، مسخ، سرنگونی، دگردیسی و انقلاب می‌شود. دگرگونی، نتیجه یک فرآیند است که بارها ماهیت عناصر خود را بازتعریف می‌کند و بر حسب مقیاس زمان و موضوع متغیر در دسته‌بندی‌های اجتماعی (تغییر در ساختار زیربنایی نهادهای اساسی و موقعیت‌های اجتماعی در طول یک دوره زمانی) فرهنگی (جریانی است که در آن در نتیجه برخورد یک فرهنگ با فرهنگ دیگری، دگرگونی در نهادها، ارزش‌ها، گرایش‌ها و روش‌های یک فرهنگ و جامعه ایجاد می‌شود)، سیاسی (انقلاب)، اقتصادی (تحول)، کالبدی (دگردیسی) بیان شده است. فرآیند باز تعریف هر ماهیت در دوره‌های زمانی با تغییر در شرایط و دیدگاه‌ها، تعریف جدیدی می‌طلبد. دگرگونی با نیاز و خلع ایجاد شده در محیط یا وجود ماهیت آغاز می‌شود و در طول زمان ادامه می‌یابد، فرآیند در هر مرحله بازنگری می‌شود و برای ادامه، ثبات، یا تغییر در فرآیند و ماهیت را برمی‌گزیند (گزینش بر حسب مجموع شرایط)؛ این فرآیند گاه بر خود شرایط نیز تحمیل و گاه در شرایط حل می‌شود و فقط تاریخ آن را نشان می‌دهد.» (Saboochi *et al.*, 2019). در پژوهش حاضر سیر دگرگونی منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی از نخستین سرچشمه‌ها تا کنون و در مقایسه با شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تحلیل تطبیقی - تاریخی شده است.

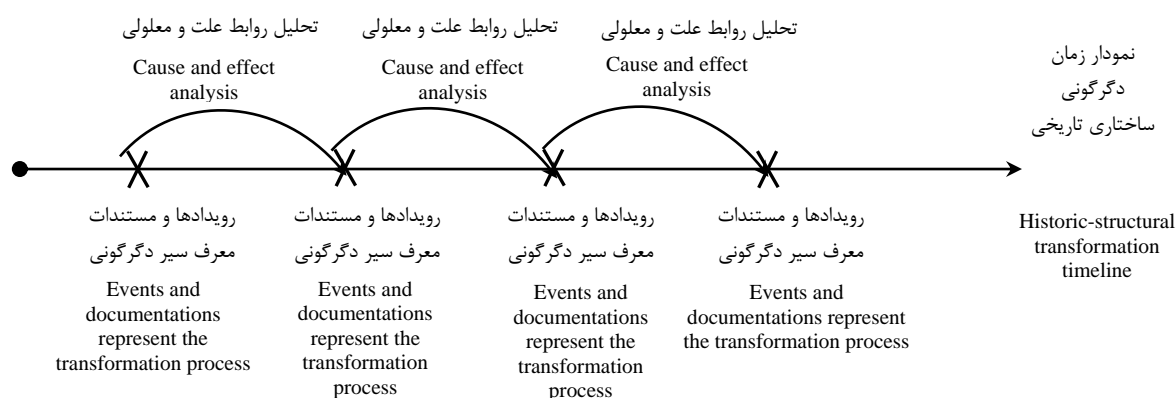
معرفی اصول برنامه‌ریزی پیش‌بینی

برنامه‌ریزی پیش‌بینی به‌عنوان یکی از انواع برنامه‌ریزی

معرفی سیر دگرگونی انگاشت منظر فرهنگی بر پایه تحلیل ساختاری تاریخی

به‌منظور مطالعه و تحلیل چگونگی دگرگونی انگاشت منظر فرهنگی در گذر زمان و تداوم آن، با انجام بازبینی متون مرتبط با چارچوب‌های نظری، فنی و تجربی مرتبط، و به‌کارگیری روش تحلیل متون مدون، برپایه روش‌های پژوهش تحلیل ساختاری تاریخی، موضوع‌های مطرح شده پیرامون این انگاشت در یک توالی زمانی مبتنی بر روابط علت و معلولی، سازمان‌دهی شده است (شکل ۳). بدین ترتیب، شواهد، مدارک و اسناد تاریخی به‌عنوان مواد پژوهش، برای پاسخ به سؤال «چه بوده است؟» به‌کار گرفته شده است. همچنین با تفسیر شواهد با نگاهی «مشروط و احتمالی» نسبت به علیت (در مقابل جبر) و بهره‌گرفتن از تبیین‌های ترکیبی، به آن ماهیت تطبیقی - تاریخی داده است (شکل ۲).

راهبردی، بر «فرآیندمحوری» و «خطرپذیری (ریسک)» استوار شده است. این رهیافت برنامه‌ریزی با تکیه بر فرآیندهای پیوسته گردآوری، توصیف و تحلیل اطلاعات، چارچوبی سیستماتیک را برای تولید سناریوهای احتمالی مداخله در پدیده مورد برنامه‌ریزی تنظیم می‌نماید (Daneshpour, 2015). احتمالی بودن این نوع برنامه‌ریزی و وجود فرآیند مداوم گردآوری اطلاعات، توصیف و تحلیل اطلاعات و همچنین محلی بودن تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی، امکان پاسخگویی مناسب، در زمان مناسب را فراهم نموده است. ضمن حفظ پیوستگی تاریخی میان انسان و تاریخ یک منظر یا پدیده، می‌تواند به‌صورت منظم و دوره‌ای، سیر دگرگونی‌ها را اصلاح و بازتولید نماید که این موضوع به دلیل ماهیت چرخه‌ای برنامه‌ریزی پیش‌بینی و تداوم زمان در آن است.



شکل ۲- الگوی تحلیل ساختاری تاریخی بر پایه تحلیل روابط علت و معلولی
Fig. 2- Historic-structural analysis model based on the cause and effect analysis

از رصد کردن دگرگونی‌های منظر طبیعی فراتر رفته و منظر فرهنگی *Kulturlandschaft* (شکل گرفته توسط انسان) را نیز در بر می‌گیرد. (James and Martin, 1981; Elkins, 1989; Bharatdwaj, 2009). پس از آن عبارت منظر فرهنگی به معنای «منظری طبیعی که به‌وسیله یک گروه فرهنگی تشکیل شده، به گونه‌ای که فرهنگ عامل، ناحیه طبیعی واسطه و منظر فرهنگی نتیجه است» به‌کار گرفته شد. این تعریف منظر فرهنگی را مستقل

منظر فرهنگی، به این معنی که منظری که در ارتباط با گروهی انسانی باشد، نخستین بار توسط نقاشان سده ۱۶ میلادی در اروپا معرفی شد. هنگامی که نقاشی‌های طبیعت و چهره خود را به سمت طبیعی سوق دادند که انسان‌ها در آن حضور فعال دارند (Pannell, 2006). در سال ۱۹۰۸ میلادی نخستین استفاده از عبارت «منظر فرهنگی» در خارج از قلمرو هنر و نقاشی صورت گرفت. برای نخستین بار رسالت جغرافیدان (به‌عنوان عالم منظر)،

بودن مناظر سرزمین‌های متفاوت است که می‌تواند ناشی از محیط طبیعی متفاوت و یا گروه انسانی و فرهنگی متفاوت باشد.

در این سال، Besio (2002) مفهوم ارتباط میان ادراک کننده و منظر را بیش از پیش روشن می‌سازد. تا جایی که تصدیق می‌کند که الگوهای فرهنگی میان مشاهده‌کننده و منظر، نقش واسطه را ایفا کرده و بر کیفیت آن تأثیر می‌گذارد.

توجه به معنا در شیوه دیدن منظر ارتباط میان ادراک کننده و منظر را روشن ساخته الگوهای فرهنگی میان مشاهده‌کننده و منظر را بر کیفیت آن مؤثر می‌داند (Ingerson, 2000; Besio, 2002).

توجه به معنا در شیوه دیدن منظر برای نخستین بار در سال ۲۰۰۰ میلادی و توجه به عامل زمان و پیوستگی دگرگونی‌های منظر در سال ۲۰۰۱ میلادی مطرح گردید (Conzen, 2001). منظر فرهنگی نشان‌دهنده تکامل پیوسته و تدریجی تکامل اجتماع بشری و سکونتگاه‌های آن‌ها در طول زمان است که با قدرت و تنوع رو به رشد به چالش‌های طبیعت، نیازها و خواسته‌های خود و شرایط تاریخی مناطق مختلف در زمان‌های مختلف پاسخ می‌دهد. تکاملی که تحت تأثیر تغییر و تحولات مداوم محیط طبیعی و همچنین نیروهای متوالی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (درونی و بیرونی) قرار می‌گیرد (Conzen, 2001; Iannone, 2002).

در سال ۲۰۰۸ میلادی، چهار سال پس از وضع "قانون منظر" در ژاپن، "قانون حفاظت و ترمیم شهر تاریخی" وضع گردید. براساس این قانون، دولت‌ها برنامه‌هایی را که توسط شهرداری‌ها تهیه شده‌اند برای حفظ و بهبود مناظر تاریخی، از جمله ساختمان‌های بی‌نظیر تاریخی و همچنین سبک سنتی زندگی افراد و جوامع هر محدوده، تصویب می‌کنند. (Ikebe, 2012).

کمیته میراث جهانی نیز در این سال دستورالعملی را برای منظر فرهنگی بیان می‌کند که بنابر آن منظر فرهنگی،

از منظر طبیعی می‌داند. چرا که منظری فرهنگی محسوب می‌شود که گروهی فرهنگی آن را عامدانه و به هدف خاصی ساخته باشد (Sauer, 1925) و فرهنگ، برخوردار از اهمیت و قدرتی است که منجر به تغییر منظر می‌شود. منظور از فرهنگ، الگوهای اجتماعی، آداب و رسوم، قوانین و سنت-های انسانی است (Eckbo, 1969).

در ادامه تعاریف منظر و گرایش فرهنگی آن، کلارک (Clarck) منظر را انعکاس ویژگی‌های کالبدی، زیستی و فرهنگی زندگی روزمره جامعه می‌داند که بر پایه گرایش-های فرهنگی و رویدادهای تاریخی است (Dehkordi, 2014). او به زندگی روزمره و خاطرات و داستان‌های زندگی لحظه لحظه ساکنان و نقش آن‌ها در شکل‌گیری و دگرگونی پی برده است که در تعاریف متأخران اندکی مغفول ماند. در تعاریف گذشته، فرهنگ قرین با تمدن و تاریخ است، در حالیکه کلارک افزون بر تاریخ، زندگی روزمره را نیز در کانون توجه پژوهش در منظر فرهنگی قرار می‌دهد.

منظر فرهنگی به‌عنوان نماینده الگوی سکونت، سیر تکامل ارزش‌های فرهنگی، هنجارها و چگونگی برخورد با زمین طی سالیان متمادی به شمار می‌رود (Melnick, 1981). مطرح شدن ارزش‌های فرهنگی در تعریف ملنیک یکی از نشانه‌های پیشرو بودن وی در عصر خویش است، چرا که ارزش‌های فرهنگی بیش از دو دهه پس از او به‌طور جدی مطرح می‌شود.

در سال ۱۹۹۲ میلادی، کمیته میراث جهانی یونسکو^۳ اعلام کرد که منظر فرهنگی، بخشی از میراث جهانی است (Mokhles et al., 2013). کمیته میراث جهانی یونسکو منظر فرهنگی را نمایشی مرکب از آثار طبیعی و انسانی به شمار می‌آورد که موجب تمایز جغرافیایی سرزمین‌ها شده و به آن‌ها ویژگی منحصر به فرد می‌بخشد (Fowler, 2003). در این تعریف، از اهمیت عاملیت گروه انسانی کاسته شده و ترکیبی از آثار طبیعی و انسانی مورد توجه قرار گرفته است. در مقابل وجه قابل تمایز، منحصر به فرد

است. نخستین ردپای بوم‌شناسی انسانی به اواخر قرن نوزدهم میلادی، در قلمرو دانش جغرافیا و جامعه‌شناسی مربوط می‌شود (Young, 1974; Gross, 2004) که به اقدام‌های متقابل انسان و طبیعت در کتاب "انسان و طبیعت، یا جغرافیای کالبدی که با اقدام‌های انسانی اصلاح شده است"، اشاره شده است (Jelinski, 2005; Liu *et al.*, 2007; Stallins, 2007).

ارنست هکل (*Ernst Haeckel*) بوم‌شناسی را در معنای منبع مستقیم اقتصاد طبیعت استفاده نمود به این معنا که بر اهمیت اقتصادی حفظ محیط زیست نسبت به اهمیت اخلاقی آن تأکید می‌نمود (Odum, 1971). اینگونه تا پیش از آغاز قرن بیستم میلادی، مفاهیم «پیوند انسان و طبیعت»، «تغییر فرم آگاهانه طبیعت» و برای نخستین و آخرین بار بر «وجه اقتصادی حفظ طبیعت» تأکید گردید. این در حالی است که واژه "بوم‌شناسی" به سال ۱۹۱۰ میلادی بازمی‌گردد که «مرز میان انسان و طبیعت» به وضوح با کتاب "بهداشت زندگی روزمره" ^۴ مطرح گردید. در این کتاب، انسان جزئی از طبیعت ولی جدا از آن معرفی می‌شود (Richards, 1910; Merchant, 2007).

در سال ۱۹۰۸ میلادی، اصطلاح «بقای اصلح»^۵ به معنی پیوند میان جامعه‌شناسی و محیط زیست انسانی توسط هربرت اسپنسر^۶ به کار برده شد. وی بود که در آن ایده جامعه به‌عنوان یک ارگانیسم را پرورش داد و یک پیش‌نویس برای رویکرد اجتماعی - بوم‌شناسی ایجاد کرد که هدف آن پیوند جامعه‌شناسی و محیط‌زیست انسانی بود (Young, 1974; Catton, 1994; Claeys, 2000). مفهوم «تخریب طبیعت توسط انسان» از ابتدای قرن بیستم میلادی تا کنون توسط نظریه‌پردازان بوم‌شناسی انسانی مورد توجه قرار گرفته است. مطرح شدن مباحثی از قبیل انفجار جمعیت، محدودیت منابع و انواع آلودگی نمونه‌هایی از مباحث مرتبط با این انگاشت هستند (Sears, 1954). بدین ترتیب تا سال ۱۹۶۰ میلادی تأکید بر وجه اقتصادی حفظ طبیعت کاهش یافته و در مقابل «مرز میان انسان و

گویای سیر تکامل جوامع و سکونتگاه‌های انسانی در طول زمان تحت تأثیر فشارها یا فرصت‌هایی هستند که محیط طبیعی یا نیروهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی داخلی یا خارجی وارد می‌سازد. توجه به «سیر تکامل» جامعه، سکونتگاه‌های انسانی (مکان) نمایانگر این است که منظر فرهنگی در گستره‌ای از زمان و مکان شکل می‌گیرد و تدوام می‌یابد (Irani Behbahani *et al.*, 2009).

مطالعه فرآیند تغییر کالبدی و عملکردی منظر فرهنگی، افزون بر شناسایی و تشخیص مؤلفه‌های طبیعی و انسان-ساخت آن، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. این موضوع، اهمیت بعد زمان را بیش از پیش مطرح می‌کند (Longstreth, 2008).

با توجه به تعریف‌های منظر فرهنگی که در بازه زمانی سال‌های ۱۹۰۸ تا ۲۰۰۹ میلادی صورت گرفته مشخص می‌گردد که انسان در این تعریف‌ها به انسان ادراک‌کننده و تصمیم‌گیرنده تحت فشار یا فرصت طبیعی یا انسانی معرفی می‌شود. همچنین بازخوانی دلیل‌های دگرگونی‌ها و درک متقابل انسان و طبیعت ارزش تلقی می‌شود.

در سال ۲۰۱۳ میلادی نیز یونسکو با تأکید بر این که منظر فرهنگی تنوع ارتباط میان نوع بشر و محیط طبیعی وی را آشکار می‌سازد با شفافیت بیان می‌کند که روش‌های منحصر به فرد استفاده پایدار از زمین، ویژگی‌های ناشی از محدودیت‌های محیط طبیعی و تعامل ذهنی با طبیعت را انعکاس می‌دهد (Danaeinia and Eilbeigipoor, 2018). می‌توان ویژگی یاد شده را معادل هویت دانست؛ هویتی که ریشه در تنوع ارتباط بشر و محیط دارد.

معرفی سیر دگرگونی انگاشت بوم‌شناسی انسانی بر

پایه تحلیل ساختاری تاریخی

در برخی منابع بوم‌شناسی علم روابط بین موجودات زنده و محیط آن‌ها معرفی شده است. بنابراین بوم‌شناسی انسانی به تحلیل روابط بین انسان‌ها با یکدیگر و همچنین با روابط آن‌ها با محیط سکونت می‌پردازد (Marten, 2010). این انگاشت نیز در طول زمان دچار دگرگونی‌هایی شده

مسئله‌ها و راه‌حل‌های سبک زندگی و منظرهای جوامع اتومبیل محور استفاده نمود و بوم‌شناسی انسانی را به- عنوان دستورکار توسعه انسانی در سال‌های آتی معرفی نمود (Kunstler, 1994). در سال ۱۹۹۷ میلادی، جنبش شهرگرایی منظر پا به عرصه وجود نهاد. شهرگرایی منظر نظریه‌ای است میان رشته‌ای که رشته‌های معماری منظر، بوم‌شناسی و غیره را به یکدیگر پیوند می‌زند. این نظریه با موضوع‌ها و شرایط پرچالش بی‌شماری که شهرهای امروز با آن روبرو هستند مواجه می‌شود. استفاده از فرآیند (در مقابل روش)، عدم قطعیت، تغییر پذیری، ادغام و تعامل بین رشته‌ای از جمله موارد مد نظر این جنبش است و مردود بودن مرجعیت انحصاری از ویژگی‌های بارز آن است (Livesey, 2009).

از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ میلادی در ادامه تمرکز نظریه‌پردازان با نگاه علمی بر پدیده بوم‌شناسی انسانی، تمرکز بر روابط میان منظر، فرهنگ و برنامه‌ریزی اهمیت زیادی پیدا کرد (Steiner, 2002). به گونه‌ای که برخی جنبه‌های دیگر آن نظیر تخریب طبیعت توسط انسان و توجه به محیط‌های شهری در حاشیه قرار گرفت. هرچند این موضوع‌ها در بطن نظریه‌های این دوره به صورت ضمنی مورد توجه قرار داشتند. پس از سال ۲۰۱۰ میلادی، همسو با گرایش رشته‌های مختلف به موضوعات نوین، نظریه‌پردازان بوم‌شناسی انسانی نیز در این عرصه به موضوعات مشخصی که پیش از این به صورت ضمنی دنبال می‌کردند همچون نقش کلیدی مردم بومی، مطالعات بلندمدت و مکان - محور محیط زیستی (Knapp, 2007) ورود پیدا کردند. پس از سال ۲۰۱۰ میلادی بوم‌شناسی انسانی بیش از پیش به مشکل‌هایی که افراد و جوامع با آن مواجه می‌شوند (مانند تأثیرات مخرب افزایش جمعیت بر سلامت فردی، اجتماعی و کیفیت محیطی) پرداخت و چگونگی تأثیر بازیگران بر آن همچون راهبرد تصمیم‌سازان را مد نظر قرار داد (Bates, 2012).

طبیعت» و همچنین «تخریب طبیعت توسط انسان» مفاهیم پر اهمیت در این زمان به شمار می‌روند.

نخستین ورود بوم‌شناسی انسانی به زمینه‌های کاربردی (معماری، معماری منظر و برنامه‌ریزی) و همچنین مطالعه آن به‌عنوان یک انضباط علمی دانشگاهی را می‌توان در سال‌های میان ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ میلادی جستجو نمود. هنگامی که تأکید بر جنبه‌های تکامل فرهنگی در جوامع بشری به روشنی ملاحظه می‌گردد (Park and Burgess, 1921; Schnore, 1958; Young, 1974; MacDonald, 2011).

تعمیم بوم‌شناسی انسانی به موضوع‌های میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای برای نخستین بار در نشریه "بوم‌شناسی انسانی" به صورت رسمی آغاز گردید. نشریه‌ای که سه موضوع زیر را در دستور کار خویش قرار داد: (۱) انطباق ژنتیکی، فیزیولوژیکی، اجتماعی طبیعت با دگرگونی‌های اکوسیستم، (۲) تأثیرات تراکم جمعیتی بر سلامت، کیفیت محیطی و پیوستگی اجتماعی و (۳) مشکل‌های جدید محیط‌های شهری (McHarg, 1972). نکته قابل توجه در این موضوع‌ها، تأثیر متقابل انسان و طبیعت بر یکدیگر است. در این دوران است که گستره موضوعی بوم‌شناسی انسانی فراتر رفته و "مرزهایش از هر سو گسترده گردید" (Shepard, 1967). بدین ترتیب در این زمان مفاهیم نوینی چون «میان‌رشته‌ای بودن»، «تأکید بر پیچیدگی»، «تمرکز بر دگرگونی‌ها»، «تکامل فرهنگی»، «مطرح شدن بعد زمان» و «توجه به محیط‌های شهری» برای تشریح بوم‌شناسی انسانی معرفی شدند. از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ میلادی، بر «محل‌ی بودن همه برنامه‌ها در همه سطوح» (از جمله زمین‌شناسی، فسیل‌شناسی، حیوان‌شناسی تا تاریخ فرهنگی) تأکید بسیاری گردید و شرط درگیر شدن انسان‌ها با محیط زندگی خود، قرار گرفتن «برنامه‌ریزی بوم‌شناسانه» به صورت پیش‌فرضی برای همه برنامه‌های شهری در نظر گرفته شد (McHarg, 1981).

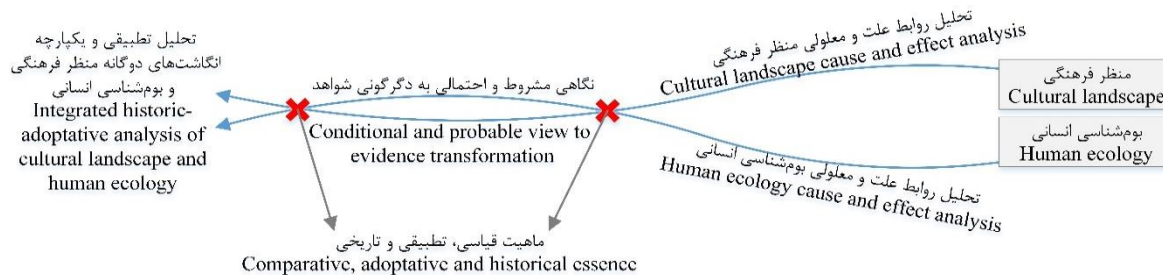
در سال ۱۹۹۴ میلادی، جنبش نوشهرگرایی (New Urbanism) از عبارت بوم‌شناسی انسانی به‌منظور بیان

علم روابط میان موجودات زنده و محیط آن‌ها The science of the relationships between living things and their environment		تعریف Definition
اواخر قرن ۱۹ میلادی در قلمرو دانش جغرافیا و جامعه‌شناسی Late 19th century in the realm of geography and sociology		سابقه Background
سیر دگرگونی مفاهیم The process of transformation of concepts		
تکامل فرهنگی Cultural evolution	بخش دوم ۱۹۸۰-۱۹۶۰ میلادی 2 nd part 1960-1980 AD	پیوند انسان و طبیعت The link between man and nature
بعد چهارم (زمان) Fourth dimension (Time)		تغییر فرم طبیعت (آگاهانه) Changing the form of nature (consciously)
توجه به محیط‌های شهری Attention to urban environments	توجه به منظر Attention to landscape	وجه اقتصادی حفظ طبیعت Economic face preservation of nature
توجه به فرآیند Attention to process		مرز میان انسان و طبیعت The border between man and nature
عدم قطعیت Uncertainty		تخریب طبیعت توسط انسان Destruction of nature by man
لزوم بررسی نقش بازیگران Necessity of examining the role of actors	۲۰۲۰-۲۰۰۰ میلادی 2000-2020 AD	میان‌رشته‌ای Interdisciplinary
		تأکید بر پیچیدگی Emphasis on complexity
		بخش نخست ۱۹۸۰-۱۹۶۰ میلادی 1 st part 1960-1980 AD

شکل ۳- تعریف، سابقه و روند مفاهیم مطرح شده پیرامون بوم‌شناسی انسانی
Fig. 3- Definition, background and issues about human ecology in different periods

مبتنی بر روابط علت و معلولی سازمان‌دهی شده است. تفسیر خواهد با نگاهی «مشروط و احتمالی» نسبت به علیت (در مقابل جبر) و بهره‌گرفتن از تبیین‌های ترکیبی به این روش پژوهش ماهیت قیاسی و تطبیقی - تاریخی می‌دهد (شکل ۳).

تحلیل تطبیقی و یکپارچه سیر دگرگونی انگاشت‌های دوگانه منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی به‌منظور تحلیل تطبیقی یکپارچه انگاشت‌های دوگانه منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی، زمینه‌های مشترک منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی در یک توالی زمانی



شکل ۴- تحلیل تطبیقی و یکپارچه انگاشت‌های دوگانه منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی
Fig. 4- Integrated historic-adaptive analysis of cultural landscape and human ecology

اشتراک در قلمرو مکان و جغرافیا پی‌برد. افزون بر این، رهیافت بوم‌شناسی انسانی با توصیف و تحلیل موضوع‌های متنوعی چون «میان‌رشته‌ای بودن»، «تأکید بر پیچیدگی»، «تمرکز بر دگرگونی‌ها»، «تکامل فرهنگی»، «مطرح شدن بعد زمان» و «توجه به محیط‌های شهری»، می‌تواند مسیر دست‌یابی به سنجه‌ها و نشانگرهای ارزیابی منظر فرهنگی

منظر فرهنگی، عرصه درهم آمیختگی آثار فرهنگ و جلوه‌های طبیعی با رویدادهای تاریخی و فعالیت‌های انسانی، در یک منطقه جغرافیایی (Mokhles et al., 2013) و بوم‌شناسی انسانی نیز فعالیت‌های انسانی در یک منطقه جغرافیایی است. بنابراین می‌توان به نزدیکی مفاهیم بوم‌شناسی انسانی و خلق مناظر فرهنگی بر پایه

حالی است که بوم‌شناسی انسانی به‌عنوان یک انضباط علمی دانشگاهی شناخته شده و با توجه به پژوهش‌های McHarg (1972) در نشریه بوم‌شناسی انسانی، جهش قابل توجهی نمود. توجه به محیط‌های شهری، مطرح شدن بعد زمان، تکامل فرهنگی، تمرکز بر دگرگونی‌ها، تأکید بر پیچیدگی و میان‌رشته‌ای بودن آن، سنج و نشانگرهای اضافه شده به بوم‌شناسی انسانی طی این سال‌ها است. بوم‌شناسی انسانی در مسیر انتقادی خود آسیب‌های انسان را نه تنها بر محیط‌زیست، بلکه بر فرد و جامعه نیز وارد می‌داند. بوم‌شناسی انسانی با شناسایی مشکل، از آن گذر کرده و در پی یافتن راه حل است، در حالیکه منظر فرهنگی همچنان در پی اثبات خویش است؛ اثباتی که با اضافه نمودن آثاری در لیست یونسکو صورت می‌گیرد. در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ میلادی، بوم‌شناسی انسانی در ادامه تلاش برای یافتن راه‌حل، برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی را که مبتنی بر «فرآیند محوری» و «عدم قطعیت» باشد در مرکز توجه خویش قرار می‌دهد. افزون بر این موضوع-های اصلی، با تلاش‌های صورت گرفته در جنبش نو و شهرگرایی منظر، توجه نظریه‌پردازان بوم‌شناسی انسانی به منظر نیز جلب می‌شود. در طرف دیگر منظر فرهنگی با کمی تأخیر نسبت به بوم‌شناسی انسانی، بعد زمان را در تعریف خود به کار می‌بندد و تاریخ و طبیعت را پیوسته می‌بیند، جایگاه انسان را می‌شناسد و به ادراک وی از منظر فرهنگی (بویژه ساکنان) اهمیت می‌دهد. در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ میلادی، نظریه‌پردازان بوم‌شناسی انسانی بیش از تقویت مبانی نظری این رهیافت، تجربه‌های عملی و فنی آن را گسترش می‌دهند. از این رو در تعریف‌های بیان شده، برخی از سنج‌ها و نشانگرهای دوره پیشین همچون توجه به محیط‌های شهری، توجه به فرآیند و توجه به عدم قطعیت کاسته شده‌اند. نظریه-پردازان منظر فرهنگی نیز با تأکید به دگرگونی پیوسته منظر، حفاظت موزه‌ای را مورد انتقاد قرار می‌دهند. از سوی دیگر شکوفایی مناظر فرهنگی را در زمان‌هایی

را تسهیل نماید. منظر فرهنگی نه به صورت نظری، بلکه تنها در آثار نقاشان اروپایی، آن هم به‌صورت پیوند انسان و طبیعت دیده می‌شد. در حالیکه اواخر قرن نوزدهم، نظریه‌پردازانی چون جورج پرکینز مارش و ارنست هکل در حال شکل دادن نخستین بوم‌شناسی انسانی بودند. این دوره "پیوند انسان و طبیعت" (که با منظر مشترک است)، "تغییر فرم آگاهانه طبیعت توسط انسان" و "اهمیت وجه اقتصادی حفظ طبیعت" زمینه را برای ظهور بوم‌شناسی انسانی فراهم نمود.

در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ میلادی مرز میان منظر فرهنگی و انسانی، به تبع مرز میان انسان و طبیعت در نظریات بوم‌شناسی انسانی کمرنگ می‌شود. در حالیکه منظر فرهنگی در پی اثبات عامل بودن فرهنگ و دگرگونی فرم آگاهانه طبیعت توسط انسان است، بوم‌شناسی انسانی گام را فراتر نهاده و انسان را در پیوند سیستمی با طبیعت می‌بیند. در اوایل قرن بیستم Richards (1910) برای نخستین بار عبارت "بوم‌شناسی انسانی" را در کتاب "بهداشت زندگی روزمره" استفاده کرد که انسان را به-عنوان بخشی از طبیعت ولی مستقل از آن مطالعه میکرد. انگاشت "منظر فرهنگی" نیز با اختلاف حدود ۱۵ سال با بوم‌شناسی انسانی توسط Sauer (1925) صورت پذیرفت. بوم‌شناسی انسانی بر موضوعاتی نظیر طبیعت توسط تخریب انسان صورتی انتقادی به خود می‌گیرد. در حالیکه نظریه‌پردازان منظر فرهنگی همچنان با صورتی توصیفی بر ارتباط دوسویه انسان و طبیعت تأکید دارند. در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ میلادی، منظر فرهنگی طی کنوانسیون یونسکو، در پی تأکید بر مناظر فرهنگی ناشناخته در سرتاسر کره زمین است. در این دوره دگرگونی ناآگاهانه طبیعت توسط انسان نیز در نظریات وجود دارد. به این معنا که گاهی سبک زندگی انسان و انباشت فرهنگی موجب تغییر فرم طبیعت می‌شود. لزوم حفظ پیوستگی میان منظر و محیط پیرامون از دیگر نکات اضافه شده به سنج و نشانگرهای این دوره است. این در

قطعی، دگرگونی، پیچیدگی و میان‌رشته‌ای بودن) و دست‌یابی به نتایج مورد انتظار از تحلیل سیر دگرگونی انگاشت منظر فرهنگی، بویژه ارتقای ارزش‌های منظر فرهنگی، تطبیق داشته باشد (شکل ۴). همانطور که بیان گردید برنامه‌ریزی پیش‌بینی با بهره‌گیری از ویژگی‌های رهیافت برنامه‌ریزی راهبردی، بر "فرآیندمحوری" و "خطرپذیری (ریسک)" استوار شده است. این رهیافت برنامه‌ریزی با تکیه بر فرآیندهای پیوسته گردآوری، توصیف و تحلیل اطلاعات، چارچوبی سیستماتیک را برای تولید سناریوهای احتمالی مداخله در پدیده مورد برنامه‌ریزی تنظیم می‌نماید (Daneshpour, 2015).

ماهیت انعطاف‌پذیر برنامه‌ریزی پیش‌بینی سبب می‌شود مرحله‌ها و فرآیند آن در هر زمینه موضوعی و پدیده مورد برنامه‌ریزی دگرگون و متفاوت باشد. ویژگی‌های بنیادین این رهیافت را به ترتیب زیر می‌توان معرفی نمود:

نخست: تأکید بر احتمالی بودن فرآیند برنامه‌ریزی

در برنامه‌ریزی پیش‌بینی، تفکر راهبردی ویژگی «روندی بودن» برنامه‌ریزی را در خود دارد. به این معنا که با پذیرش عدم قطعیت‌های گوناگون در امور جهان، با تکیه بر فرآیندهای پیوسته گردآوری، توصیف و تحلیل اطلاعات، چارچوبی نظام‌مند را برای جرح و تعدیل پاسخ سازوکار برنامه‌ریزی فراهم می‌کند (Daneshpour, 2015).

دوم: پشتیبانی از انعطاف‌پذیری فرآیند برنامه‌ریزی

احتمالی بودن برنامه‌ریزی پیش‌بینی و وجود فرآیند مداوم گردآوری اطلاعات، توصیف و تحلیل اطلاعات و همچنین محلی بودن تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی، امکان پاسخگویی مناسب، در زمان مناسب وجود دارد.

سوم: قابلیت افزودن ابعاد انسانی و افزایش کارایی

سیستم برنامه‌ریزی

در این نوع برنامه‌ریزی، با وجود نمونه‌های عقلانی و نخبه سالار، بر مشارکت بخش خصوصی و اقدام‌ها در مقیاس انسانی تأکید دارد و بدین ترتیب موجب افزایش کارایی سیستم برنامه‌ریزی می‌شود.

متصور می‌شود که فرصت یا فشاری بر افراد و جوامع وارد آمده است. در سال‌های پس از ۲۰۱۰ میلادی نظریه-پردازان بوم‌شناسی انسانی به اهمیت نقش بازیگران پی بردند. در حالیکه نظریه‌پردازان منظر فرهنگی در پی ارزش‌های فرهنگی تغییر ماهیت داده و آموزش مسئولان و کمک‌های دولتی و بخش خصوصی را ضامن ارتقای ارزش‌های یاد شده می‌دانند.

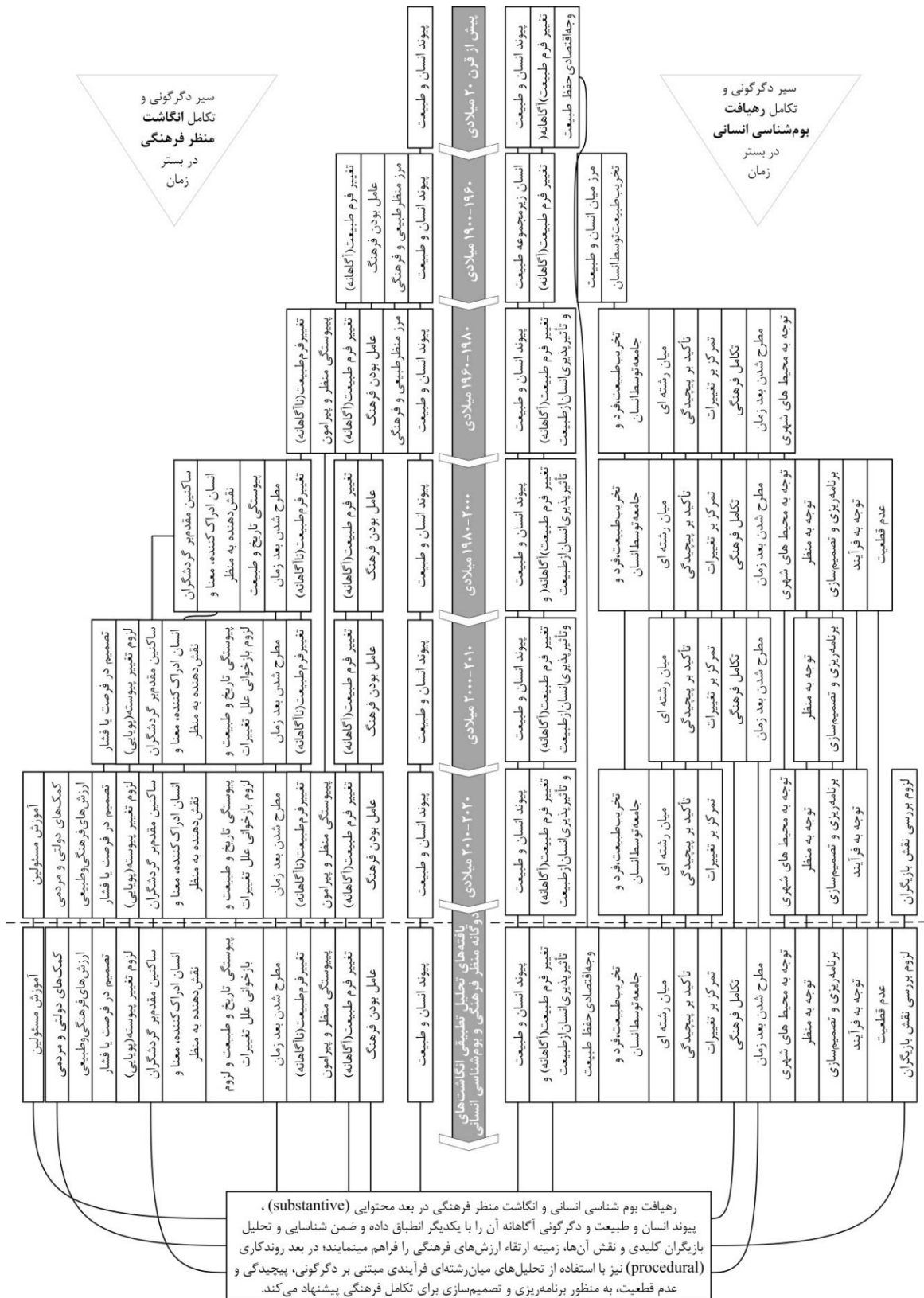
بدین ترتیب با تحلیل تطبیقی انگاشت‌های دوگانه منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی از نخستین سرچشمه‌ها تا کنون همخوانی و انطباق این دو انگاشت مشخص می‌گردد. «پیوند انسان و طبیعت»، «تغییر فرم آگاهانه طبیعت» و «مطرح شدن بعد زمان» از مفاهیم اصلی این انگاشت‌های دوگانه است. «عامل بودن فرهنگ» در انگاشت منظر فرهنگی نیز در انطباق و همخوانی با «تکامل فرهنگی» در انگاشت بوم‌شناسی انسانی است. برخی از مفاهیم در بوم‌شناسی انسانی با چند مفهوم در منظر فرهنگی تطابق دارند. «لزوم بررسی نقش بازیگران» در انگاشت بوم‌شناسی انسانی با مفاهیم «آموزش مسئولان»، «کمک‌های دولتی و مردمی» و «تقدم ساکنان بر گردشگران» در انگاشت منظر فرهنگی همخوانی و تطابق دارند. (شکل ۴)

پیوند محتوایی و فرآیندی انگاشت‌های دوگانه منظر

فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی بر پایه الگوی

برنامه‌ریزی پیش‌بینی

با توجه به همخوانی و انطباق انگاشت‌های دوگانه منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی در برخی مفاهیم و اشتراک مفاهیم یاد شده با اصول برنامه‌ریزی راهبردی و بویژه برنامه‌ریزی پیش‌بینی، می‌توان الگویی پیشنهاد نمود که با استفاده از مفاهیم مطرح شده براساس برنامه‌ریزی پیش‌بینی منجر به ارتقای ارزش‌های منظر فرهنگی شود. الگوی «برنامه‌ریزی پیش‌بینی» برآمده از پایه‌های نظری رهیافت برنامه‌ریزی راهبردی، می‌تواند با اصول مداخله توسط رهیافت بوم‌شناسی انسانی (همچون برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی فرآیند محور، توجه به نقش بازیگران، عدم



شکل ۵- تحلیل یکپارچه و تطبیقی سیر دگرگونی تاریخی انگاشت منظر فرهنگی و رهیافت بوم‌شناسی انسانی

Fig. 5- Integrated adaptive analysis of the historical process of the cultural landscape and human ecology transformation

چهارم: ایجاد پیوستگی تاریخی

برنامه‌ریزی پیشایندی به دلیل ماهیت چرخه‌ای خود و تداوم زمان در آن، ضمن حفظ پیوستگی تاریخی میان انسان و تاریخ یک منظر یا پدیده، می‌تواند به صورت منظم و دوره‌ای، سیر دگرگونی‌ها را اصلاح و بازتولید نماید.

پنجم: پیوند بین انسان، محیط طبیعی و محیط ساخته شده

با توجه به ویژگی نرمش‌پذیر بودن سیستم برنامه‌ریزی پیشایندی با تأکید بر عمل کوتاه‌مدت (Daneshpour, 2003)، ارتباط فعال میان انسان و محیط برقرار می‌شود. به این صورت که به وسیله تحلیل اثر، تأثیر متقابل انسان و طبیعت به صورت دوره‌ای تحلیل می‌گردد و در صورت نیاز، برنامه پیشنهادی به‌روزرسانی می‌شود. فرآیند برنامه‌ریزی پیشایندی را متناسب با زمینه‌های موضوعی و پدیده‌های مورد مداخله توسط سیستم برنامه‌ریزی به شیوه‌های گوناگون معرفی نموده‌اند (Daneshpour and Ebrahimnia, 2018): نخست: فرآیند هفت مرحله‌ای برنامه‌ریزی پیشایندی قابل به‌کارگیری در سیستم‌های اشتراک‌گذاری داده و اطلاعات و فناوری‌های نوین ((۱) توسعه بیانیه سیاست برنامه‌ریزی پیشایندی، ((۲) تحلیل اثرات سیاست‌ها، ((۳) شناسایی سازوکارهای مهار شرایط احتمالی، ((۴) تولید راهبردهای متناسب با شرایط احتمالی، ((۵) توسعه گزینه‌های احتمالاتی برنامه، ((۶) کسب اطمینان بر پایه آزمودن گزینه‌ها احتمالی و ((۷) آموزش و تمرین پیاده‌سازی برنامه و اطمینان از اجرای برنامه). دوم: فرآیند پنج مرحله برنامه‌ریزی پیشایندی قابل به‌کارگیری در سیاست‌گذاری شهری ((۱) هدایت فرآیندی برای مشارکت تمام عامل‌های تصمیم‌گیرنده و سیاستگذار و یکپارچگی تصمیم‌ها و سیاست‌ها، ((۲) پیاده‌سازی مرکز ارتباطات در شرایط پیشایندی، ((۳) نظارت بر بازتوانی سیستم، ((۴) کنترل به‌کارگیری منابع برای وظایف پیش و پس از روی دادن پیشایندها و ((۵) تعیین زمان تغییر در برنامه مورد عمل). سوم: فرآیند شش مرحله‌ای برنامه‌ریزی پیشایندی

قابل به‌کارگیری برای مداخله بر پایه شواهد تاریخی که مرحله‌های آن در دو بخش کلان (الف) تدوین برنامه و (ب) مستندسازی و اشتراک‌گذاری گنجانده شده است ((۱) شناخت وضع موجود، ((۲) تشخیص خطر، ((۳) تحلیل اثرات، ((۴) توسعه راهبردهای واکنشی، ((۵) توسعه برنامه‌های پیشایندی مبتنی بر شواهد و ((۶) اشتراک‌گذاری برنامه‌های پیشایندی مخاطرات).

در این مقاله فرآیند شش مرحله‌ای برنامه‌ریزی پیشایندی که قابل به‌کارگیری برای مداخله بر پایه شواهد تاریخی در منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی است به‌عنوان مبنای ایجاد یکپارچگی بین انگاشت‌های دوگانه منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی اختیار شده است.

نتیجه‌گیری

براساس پیوند محتوایی و فرآیندی انگاشت‌های دوگانه منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی بر پایه الگوی برنامه‌ریزی پیشایندی (شکل ۶) و همچنین فرآیند شش مرحله‌ای برنامه‌ریزی پیشایندی که قابل به‌کارگیری برای مداخله بر پایه شواهد تاریخی در منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی است، الگویی در دو مرحله کلان و شش گام پیشنهاد می‌گردد. (جدول ۱ و شکل ۷).

با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی فرآیندمحور، توجه به نقش بازیگران و همچنین ضرورت تأکید بر اصل عدم قطعیت، دگرگونی‌ها و پیچیدگی‌های محیط‌های طبیعی و انسان‌ساخت و ماهیت میان‌رشته‌ای بودن انگاشت‌های منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی، رهیافت برنامه‌ریزی راهبردی و بویژه برنامه‌ریزی پیشایندی می‌تواند پیوند محتوایی و فرآیندی بین این قلمروهای دانش دوگانه را برقرار نماید. ویژگی‌های بنیادین برنامه‌ریزی پیشایندی شامل تأکید بر احتمالی بودن فرآیند برنامه‌ریزی، پشتیبانی از انعطاف‌پذیری، قابلیت افزودن ابعاد انسانی و افزایش کارایی سیستم برنامه‌ریزی، ایجاد پیوستگی تاریخی، پیوند بین انسان، محیط طبیعی و محیط

متمایز ساخته است. بدین صورت که با تأکید بر ارزش‌های فرهنگی، تعاملات آگاهانه و ناآگاهانه انسان را در طول زمان توصیف کرده و سیر دگرگونی تاریخی آن را تحلیل می‌نماید.

ساخته شده است. الگوی برنامه‌ریزی پیش‌بینی ارتقای منظر فرهنگی بر پایه بوم‌شناسی انسانی افزون بر دارا بودن ویژگی‌های بنیادین یاد شده، از نظر محتوایی و روند کار، تفاوت‌هایی با اصول برنامه‌ریزی پیش‌بینی دارد که آن را

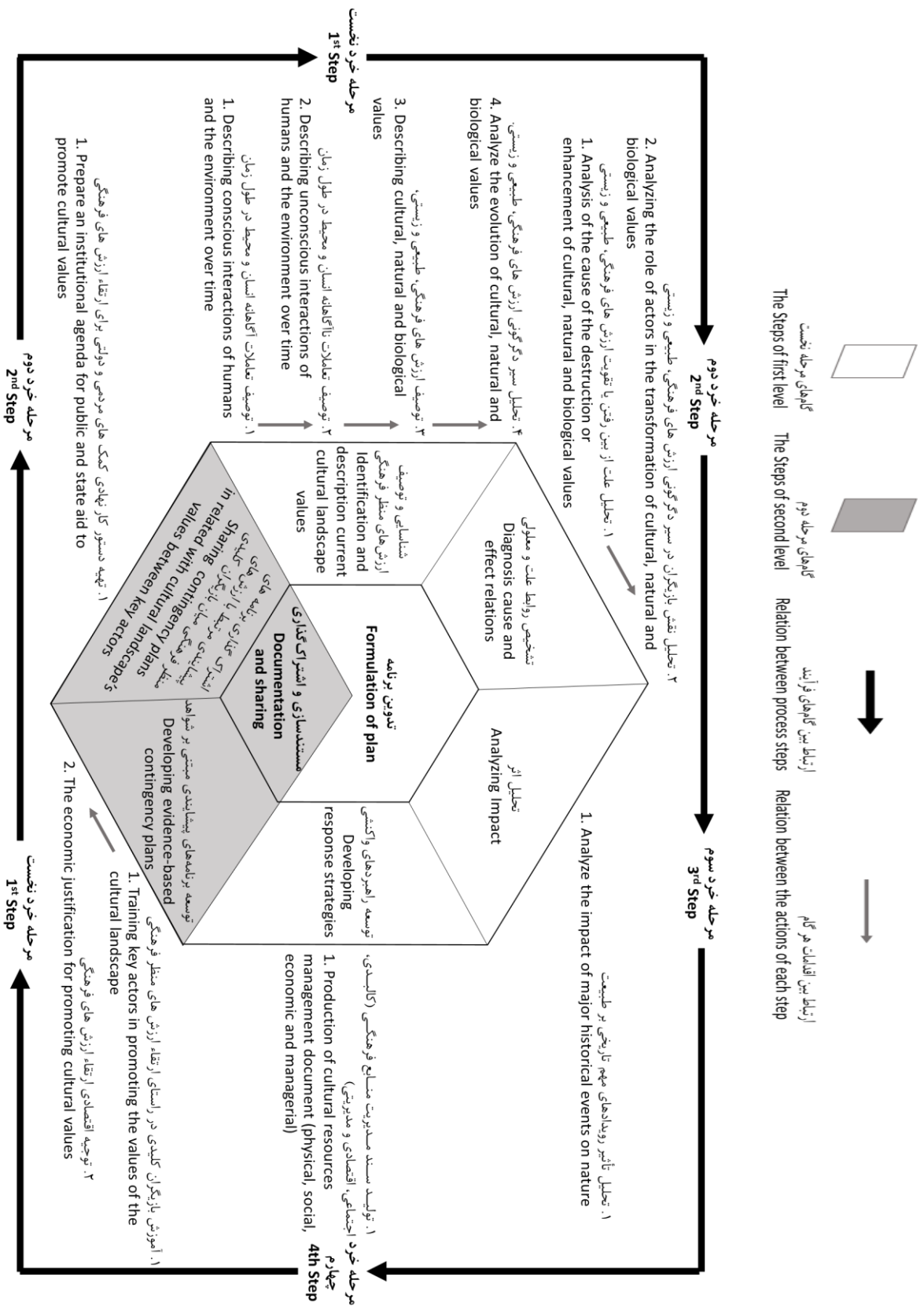
جدول ۱- مرحله‌های کلان، گام‌ها و مرحله‌های خرد الگوی برنامه‌ریزی پیش‌بینی

Table 1. Levels, steps and stages of contingency planning

مرحله‌های کلان (Levels)	مرحله‌های خرد (Steps)	گام‌ها (Stages)
		(۱) توصیف تعاملات آگاهانه انسان و محیط در طول زمان 1. Describing conscious interactions between humans and the environment over time
	شناسایی و توصیف ارزش‌های منظر فرهنگی Identification and description of current cultural landscape values	(۲) توصیف تعاملات ناآگاهانه انسان و محیط در طول زمان 2. Describing unconscious interactions between humans and the environment over time
		(۳) توصیف ارزش‌های فرهنگی، طبیعی و زیستی 3. Describing cultural, natural, and biological values
		(۴) تحلیل سیر دگرگونی ارزش‌های فرهنگی، طبیعی و زیستی. 4. Analyzing the evolution of cultural, natural, and biological values
تدوین برنامه Formulation of plans	تشخیص روابط علت و معلولی Diagnosis of cause and effect relations	(۱) تحلیل دلیل از بین رفتن یا تقویت ارزش‌های فرهنگی، طبیعی و زیستی 1. Analysis of the cause of the destruction or enhancement of cultural, natural, and biological values
		(۲) تحلیل نقش بازیگران در سیر دگرگونی ارزش‌های فرهنگی، طبیعی و زیستی. 2. Analyzing the role of actors in the transformation of cultural, natural, and biological values
	تحلیل اثر Impact analysis	(۱) تحلیل تأثیر رویدادهای مهم تاریخی بر طبیعت 1. Analysis of the impact of major historical events on nature
	توسعه راهبردهای واکنشی Developing response strategies	(۱) تولید سند مدیریت منابع فرهنگی (کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی) 1. Production of cultural resources management statement (physical, social, economic, and managerial)
	توسعه برنامه‌های پیش‌بینی مبتنی بر شواهد Developing evidence-based contingency plans	(۱) آموزش بازیگران کلیدی در راستای ارتقای ارزش‌های منظر فرهنگی 1. Training key actors in promoting the values of the cultural landscape
مستندسازی و اشتراک‌گذاری Documentation and sharing	مرتبط با ارزش‌های منظر فرهنگی میان بازیگران کلیدی Sharing contingency plans in related with cultural landscape's values between key actors	(۲) توجیه اقتصادی ارتقای ارزش‌های فرهنگی 2. The economic justification for promoting cultural values
		(۱) تهیه دستور کار نهادی کمک‌های بخش خصوصی و دولتی برای ارتقای ارزش‌های فرهنگی. 1. Preparation of an institutional agenda for public and state aid to promote cultural values

فرهنگی تهیه می‌گردد. بر پایه دگرگونی‌های بنیادین برآمده از به‌کارگیری رهیافت‌های دوگانه منظر فرهنگی و بوم‌شناسی انسانی در برنامه‌ریزی پیش‌بینی و به‌کارگیری اصول «برنامه‌ریزی و مدیریت در مقیاس محلی»، «عدم قطعیت»، «تمرکز بر دگرگونی‌ها» و «پیچیدگی»، الگو برنامه‌ریزی پیش‌بینی معرفی می‌شود.

در ادامه، در پی دلیل این تغییرات، بازیگران کلیدی را شناسایی و نقش آن‌ها را تحلیل می‌نماید. با استفاده از این الگوی برنامه‌ریزی تأثیر رویدادهای مهم تاریخی بر طبیعت تحلیل شده و در نهایت می‌توان سند مدیریت منابع فرهنگی را تولید نمود. در ادامه با آموزش بازیگران کلیدی و توجیه اقتصادی، دستور کار نهادی کمک‌های مردمی و دولتی به‌منظور ارتقای ارزش‌های



شکل ۷- معرفی الگوی برنامه‌ریزی پیش‌بینی ارتقای منظر فرهنگی بر پایه بوم‌شناسی انسانی
 Fig. 7- Introducing the pattern of contingency planning of cultural promotion based on human ecology

تولید سند مدیریت منابع فرهنگی (کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی) تشکیل شده است. مرحله کلان دوم مستندسازی و اشتراک‌گذاری است که از دو خرد مرحله (۱) توسعه برنامه‌های پیش‌بینی مبتنی بر شواهد و (۲) اشتراک‌گذاری برنامه‌های پیش‌بینی مرتبط با ارزش‌های منظر فرهنگی میان بازیگران کلیدی تشکیل شده است. خرد مرحله نخست شامل دو گام (۱) آموزش بازیگران کلیدی در راستای ارتقای ارزش‌های منظر فرهنگی و (۲) توجیه اقتصادی ارتقای ارزش‌های فرهنگی بوده و خرد مرحله دوم شامل یک گام تهیه دستور کار نهادی کمک‌های بخش خصوصی و دولتی برای ارتقای ارزش‌های فرهنگی است.

پی‌نوشت‌ها:

- ¹ Cultural Landscape
² Human Ecology
³ World Heritage Committee
⁴ Sanitation in daily life
⁵ Survival of the fittest
⁶ Herbert Spencer

Abdullah, S.A., 2011. The characteristics of the cultural landscape in malaysia: concept and perspective. In: Hong, S.K. and Kim, J.E. Wu, J. Nakagoshi, N., Landscape Ecology in Asian Cultures. Springer, Tokyo, pp. 41-53.

Bandarin, F. and Van Oers, R., 2014. Reconnecting the City: The Historic Urban Landscape Approach and the Future of Urban Heritage. Wiley Blackwell, Chichester.

Bates, D.G., 2012. On forty years: remarks from the editor. Human Ecology. 40(1), 1-4.

Bemianian, M.R. and Ansari, M. and Almasifar, N., 2011. Rehabilitation of Takhteh Soleyman cultural (historical) landscape. Iranian Journal of Urban

بدین ترتیب دو مرحله کلان تدوین برنامه (رنگ سفید) و مستندسازی و اشتراک‌گذاری (رنگ خاکستری) در قالب یک شش‌ضلعی (با توجه به شش مرحله خرد - چهار مرحله خرد برای مرحله کلان نخست و دو مرحله خرد برای مرحله کلان دوم) تدوین گردیده است. مرحله خرد نخست شناسایی و توصیف ارزش‌های منظر فرهنگی است که شامل چهار گام (۱) توصیف تعاملات آگاهانه انسان و محیط در طول زمان، (۲) توصیف تعاملات ناآگاهانه انسان و محیط در طول زمان، (۳) توصیف ارزش‌های فرهنگی، طبیعی و زیستی و (۴) تحلیل سیر دگرگونی ارزش‌های فرهنگی، طبیعی و زیستی می‌باشد. مرحله خرد دوم تشخیص روابط علت و معلولی است که شامل دو گام (۱) تحلیل دلیل از بین رفتن یا تقویت ارزش‌های فرهنگی، طبیعی و زیستی و (۲) تحلیل نقش بازیگران در سیر دگرگونی ارزش‌های فرهنگی، طبیعی و زیستی می‌باشد. مرحله خرد سوم شامل تحلیل اثر است که از یک گام تحلیل تأثیر رویدادهای مهم تاریخی بر طبیعت تشکیل شده است. مرحله خرد چهارم نیز شامل توسعه راهبردهای واکنشی است که از یک گام

منابع

Management. 26, 7-26. (In Persian with English abstract).

Bennett, J.W., 2017. Human Ecology as Human Behavior. Routledge, New York, USA.

Besio, M., 2002. Conservation planning: the european case of rural landscape. Unesco World Heritage Center, Venice.

Bharatdwaj, K., 2009. Physical Geography: A Landscape Appreciations. Discovery Publishing House, New Delhi.

Buggey, S. and Mitchell, N., 2002. Cultural landscape management challenges and promising new directions in the United States and Canada. In:

- UNESCO World Heritage Center, Unesco Paper 7: Cultural Landscape: The Challenges of Conservation, UNESCO World Heritage Center, Ferrara. pp. 92-100.
- Catton, W.R., 1994. Foundations of human ecology. *Sociological Perspectives*. 37, 75-95.
- Claeys, G., 2000. Survival of the fittest and the origins of social Darwinism. *Journal of the History of Ideas*. 61, 223-240.
- Cohen, C. and Copi, I., 2016. *Essentials of Logic*. Routledge, London, New York.
- Conzen, M.P., 2001. Cultural landscape in geography. In: Smelser, N.J. and Baltes, P.B. (Eds). *International Encyclopedia of The Social and Behavioral Sciences*. Elsevier, New York, pp. 3086-3092.
- Danaeina, A. and Eilbeigipoor, F., 2018. The characteristics of the cultural landscape of the bakhtiari nomads and its impact on the structure of nomadic architecture. *Iranian Journal of Baghe-Nazar*. 57, 63-74. (In Persian with English abstract).
- Daneshpour, Z., 2015. *An Introduction to Planning Theories with Special Reference to Urban Planning Theories*. Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (In Persian with English abstract).
- Daneshpour, Z. and Ebrahimnia, V., 2018. Checking the application of the antecedent approach of the contingency approach deal with contingents in integrated planning for metropolis Tehran. *Iranian Journal of Architecture and Urban Planning*. 18, 5-22. (In Persian with English abstract).
- Daneshpour, Z., 2003. Strategic Planning and strategic authority planning: features, differences and preconditions. *Iranian Journal of Urban Management*. 14, 14-23. (In Persian with English abstract).
- Dehkordi, A., 2014. Analysis of tourism potentials of huraman with emphasis on cultural landscape recognition. *Iranian Geographical Journal of Tourism Space*. 13, 59-77. (In Persian with English abstract).
- Eckbo, G., 1969. *The Landscape We See*. Mcgraw-Hill Book Company, New York, USA.
- Elkins, T.H., 1989. Human and regional geography in the german-speaking lands in the first forty years of the twentieth century. *Enriken, J., Nicholas and Brunn, Stanley, D., (Eds) Reflections On Richard Hartshorne, Washington DC., USA*.
- Fadaee Nejjhad Bahramjerdi, S., Hanachi, P., Ramezani, L. and Nezam, M., 2017. Recognition of the concept of value in the protection of cultural landscape of Oraman Takht. *Iranian Journal of Iranian Antropological Research (Social Sciences Letter)*. 7, 31-50. (In Persian with English abstract).
- Fowler, P., 2003. World heritage cultural landscape 1992-2002. UNESCO World Heritage Center, Paris.
- Gross, M., 2004. Human geography and ecological sociology: The unfolding of a human ecology, 1890 to 1930 and beyond. *Social Science History*. 28, 575-605.
- Hennink, M., Hutter, I. and Bailey, A., 2020. *Qualitative Research Methods*. SAGE Publications, California.
- Howard Kunstler, J., 1994. *The Geography of Nowhere: The Rise and Decline of America's Man-Made Landscape*. Touchstone, New York, USA.
- Iannone, G., 2002. Annales history and the ancient Maya state. Some observations on the dynamic models. *American Anthropologist*. 104, 68-78.
- Ikebe, K., 2012. A study about the japanese landscape law including cultural landscape and

- historic city preservation and restoration act. Hort Research. 66, 1-9.
- Ingerson, A.E., 2000 .What Are Cultural Landscapes. Harvard University, Institute for Cultural Landscape Studies, Cambridge.
- Irani Behbahani, H., Bahrami, B., Agha Ebrahimi Samani, F. and Saatian, R., 2009. Diagnosis the role of natural structures in forming cultural landscape of ancient habitation Takht-e-Soleiman by Telemeter new technology. Iranian Journal of Environmental Study. 36, 109-120. (In Persian with English abstract).
- Işık, B. and Yücel Caymaz, G.F. and Gökçe Özdamar, E., 2018. Cultural Landscape of Van, Turkey. İstanbul Aydın University Publications, İstanbul.
- James, P.E. and Martin, G., 1981. All Possible Worlds: A History of Geographical Ideas. John Wiley & Sons, New York, USA.
- Jelinski, D.E., 2005. There is no mother nature. There is no balance of nature. Culture, Ecology and Conservation. Human Ecology. 33, 271-288.
- Knapp, G., 2007. Encyclopedia of Environment and Society. SAGE Publications, California.
- Liu, J., Dietz, T., Carpenter, S.R. and Alberti, M., 2007. Complexity of coupled human and natural systems. Science. 317, 1513-1516.
- Livesey, G., 2009. A look at landscape urbanism. Canadian Architect. 54, 45-47.
- Longstreth, R., 2008. Cultural Landscape, Balancing Nature and Heritage in Preservation Practice. University of Minnesota Press, Minneapolis.
- Lozny, L.R., 2008. Landscapes Under Pressure Theory and Practice of Cultural Heritage research and Preservation. Springer, New York, USA.
- MacDonald, D.W., 2011. Beyond the group: the implications of roderick d. mckenzie's human ecology for reconceptualizing society and the social. Nature and Culture. 6, 263-284.
- Marten, G.G., 2010. Human Ecology: Basic Concepts for Sustainable Development. Routledge, London.
- McHarg, I.L., 1972. Introductory statement. Human Ecology. 1, 1-1.
- McHarg, I.L., 1981. Human ecological planning at Pennsylvania. Landscape Planning. 8, 109-120.
- Melnick, R.Z., 1981. Capturing the cultural landscape. Landscape Architecture. 9, 56-60.
- Merchant, C., 2007. American Environmental History: An Introduction. Columbia University Press, New York.
- Mokhles, F., Farzin, A.A. and Javadi, S., 2013. Pir-e Morad shrine, the cultural-religious perspective of Baneh City. Iranian Journal of Bagh-e-Nazar. 24, 81-92. (In Persian with English abstract).
- Neuman, W.L., 2007. Social Research Methods. Pearson Education, London.
- Odum, E.P., 1971. Fundamentals of Ecology. University of Minnesota, Minnesota.
- Pannell, S., 2006. Reconciling Nature and Culture in a Global Context? Lessons from the World Heritage List. James Cook University, Cairns, Australia.
- Park, R. and Burgess, E., 1921. An introduction to the science of society. American Journal of Sociology. 27, 393-394.
- Richards, E.H., 1910. Sanitation in Daily Life.

Whitcomb and Barrows, Boston.

Saboochi, E., Masoud, M. and Moradi Chadegani, D., 2019. Continuity of place over time in interaction with human. *Iranian Journal of Sofeh*. 29, 95-116. (In Persian)

Sauer, C.O., 1925. *The Morphology of Landscape*. University Press, Berkeley.

Schnore, L.F., 1958. Social morphology and human ecology. *American Journal of Sociology*. 63, 620-634.

Sears, P.B., 1954. Human ecology: a problem in synthesis. *Science*. 120, 959-963.

Shakuie, H., 2016. *New Trends in Philosophy of Geography*. Gitashenasi Institute, Tehran, Iran.

Shepard, P., 1967. Whatever happened to human ecology. *Bioscience*. 17, 891-911.

Stallins, J.A., 2007. The biogeography of geographers. a content visualization of journal publications. *Physical Geography*. 28, 261-275.

Steiner, F., 2002. *Human Ecology: Following Nature's Lead*, first ed. Island Press, Washington, Covelo, London.

Willems, H. and Dahms, J.M., 2017. *The Nile: Natural and Cultural Landscape in Egypt*, Transcript Verlag, Bielefeld.

Young, G.L., 1974. Human ecology as an interdisciplinary concept: a critical inquiry. *Advances In Ecological Research*, Elsevier. 8, 1-105.





Environmental Sciences Vol.19 / No.2 / Summer 2021

127-150

Explanation of contingency planning approach to promot cultural landscape in interaction with human ecology over time

Ali Hosseinpour¹, Darioush Moradi Chadegani^{2,3*}, Shirin Toghiani¹ and Elham Nazemi¹

¹ Advancement in Architecture and Urban Planning Research Center, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

² Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

³ Department of Architecture and Urban Planning, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Received: 2020.05.03

Accepted: 2020.07.26

Hosseinpour, A., Moradi Chadegani, D., Toghiani, Sh. and Nazemi, E., 2021. Explanation of contingency planning approach to promot cultural landscape in interaction with human ecology over time. *Environmental Sciences*. 19(2):127-150.

Introduction: The cultural landscape was introduced by the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO) since the 1990s as an interdisciplinary subject, and formally was determined on the agenda of the organization's member communities, while since the 1920s, many scholars have studied and published the related theories. Human ecology is concerned with the relation between human and the environment and is closely linked to the cultural landscape and has the dual function of simultaneously realizing the promotion of cultural landscape values and improving human ecology. Human ecology theorists since 1907 AD have been trying to improve the relationship between human and the environment by doing research on cultural, social, and economic issues. The purpose of this article is to explore transformations of the cultural landscape over time and its continuity in interaction with human ecology that can be implemented in a planning process to promote cultural landscape.

Material and methods: The type of research in this paper was descriptive-analytical and its methodology was based on historic structural research. The time frame of this research was from 1908, when the first use of the cultural landscape took place beyond the realm of art and painting, until 2020 –the year of this research. Reviewing texts related to theoretical, technical, and experimental frameworks of the cultural landscape and human ecology, and applying documentary analysis, based on historic-structural analysis and comparative analysis, the common fields of the cultural landscape and human ecology were organized in a sequence of cause and effect relations

* Corresponding Author: *Email Address*. d.moradi@aui.ac.ir
<http://dx.doi.org/10.52547/envs.33587>

based on time. In this research, the evidence (especially historical evidence) as the research material led the researcher to answer the question “What was it?”. This research method was historical-adaptive that evidence was interpreted with a "contingent and probabilistic" (versus algebra) view of cause and effect and used synthetic explanations. Data and information that were required for this research were historical and qualitative evidence and were gathered from four paths (1) primary texts and sources (2) secondary texts and sources (3) current texts (4) recovered texts.

Results and discussion: Findings of historic-structural analysis of cultural landscape showed that it is transformed and evolved from “product of nature and humanity” to “representation of the diversity of the relation between human and nature to display unique methods of sustainable land use, properties resulting from the constraints of the natural environment, and mental interaction between human and nature”. Theorists' concern in international experiences is the awareness of individuals and communities to diagnose and describe cultural landscapes in their country and attempt to register them globally in order to protect and enhance the values of the cultural landscape. This can be achieved through “cultural resources management”, which replaces “protection of cultural heritage”. While human ecology, with common substantive with cultural landscape, focuses on interactions between human and the environment in order to inform individuals and communities of the devastating impact of some human actions on ecosystems and cultural landscapes. Scholars in this field of knowledge seek to find solutions to improve the relationship between human and nature, while at the same time researchers and professional activists in the field of the cultural landscape are focused on identifying and describing cultural landscapes. On the other hand, referring to the importance of process-oriented planning and decision-making, attention to the role of actors as well as the need to emphasize the uncertainty principle, the interdisciplinary of the cultural landscape and human ecology concepts, transformations and complexities of natural environments, and anthropogenesis, “strategic planning” approach, and in particular “contingency planning”, can establish a substantive and process link between these dual knowledge domains.

Conclusion: The results of this paper proposed a model of contingency planning related to the cultural landscape and human ecology, with a focus on the historical study and periodic description and analysis of evidence, suggesting a two-step process with two levels (1) documentation and programming and (2) sharing, and six steps (cognition cultural landscape values, identifying cause and effect relations, analyzing the impact, developing response strategies, developing evidence-based contingency plans, and sharing contingency plans related to cultural landscape values among key actors). In the first level of this process, cultural landscape values are identified and described using surveys and field observations, and then simultaneously analyzing impacts and developed response strategies by analyzing the substantive of purposeful interviews about the cause-and-effect relations of each of these values. In the second level, by proposing and sharing evidence-based contingency plans related to cultural landscape values, in addition to reversing the decline of cultural landscape values, it is also possible to promote them.

Keywords: Human ecology, Cultural landscape, Antecedent planning, Cultural resource management, Transformation, Historic-structural analysis, Comparative analysis

